

تجزیه و تحلیل تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه

بهمن ربیعی نیا^۱، * حسین هرسیج^۲

۱. پژوهشگر پسا دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. استادگروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۵ مرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ تیر ۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۲

چکیده

بحران سوریه یکی از پیچیده ترین مسائل بین المللی در دهه اخیر بوده است که به دلیل طولانی شدن زمان و تعدد بازیگران مؤثرش به آوردگاه رقابت قدرت های منطقه ای و جهانی تبدیل شده است. این کشور از یک سو به عنوان کانونی ترین کشور محور مقاومت برای ایران و از سوی دیگر به عنوان عمق راهبردی در سیاست نوعثمانیگری ترکیه از اهداف راهبردی سیاست خارجی بوده است. در این مقاله در چارچوب نظریه قدرت نرم با رویکرد مقایسه ای می خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که بین دو کشور ایران و ترکیه چه اشتراکها و تفاوت هایی در کاربرد قدرت نرم در قبال بحران سوریه وجود دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می شود که بنای قدرت نرم دو کشور بر زمینه تاریخی، مذهبی و ارزش های سیاسی متفاوت، موجب شباهت ها و تضادها در کاربرد قدرت نرم دو کشور پس از بحران سوریه شده است. داده ها از منابع کتابخانه ای و اسنادی، گردآوری شده و چالش ها و فرصت های قدرت نرم دو کشور در قبال بحران سوریه به صورت توصیفی تحلیلی مقایسه شده است.

کلیدواژه ها:

ایران، ترکیه، داعش، سوریه،
عمق راهبردی، قدرت نرم.

* نویسنده مسئول:

دکتر حسین هرسیج

نشانی:

استادگروه علوم سیاسی، دانشکده

علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران

پست الکترونیک:

harsij@ase.ui.ac.ir

استناد به این مقاله:

ربیعی نیا، بهمن، هرسیج، حسین. (۱۴۰۲). تجزیه و تحلیل تطبیقی قدرت نرم ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۵)، ۶۹-۹۰.

۱. مقدمه

ظهور روندی با عنوان جهانی‌شدن موجب پیدایش اشکال جدیدی از قدرت و به تبع آن اشکال جدیدی از تعاملات امنیتی شده است. بررسی سرشت قدرت در سیاست جهانی امروز، مولد مفهومی به نام قدرت نرم و ایجاد جایگاهی برای آن در سیاست‌های بین‌المللی شده است. منابع قدرت نرم برخلاف قدرت سخت که پایه نظامی و اقتصادی دارد، بر محور فرهنگ و اندیشه است. البته به نظر جوزف نای قدرت نرم چیزی فراتر از قدرت فرهنگی است. قدرت نرم هم بر شیوه تنظیم دستور کار سیاست‌ها متکی است و هم بر قدرت جذب‌کنندگی (Nye, 2008: 151). انقلاب اسلامی ایران به دلیل جذابیت در شعارها، اهداف، روش‌ها، محتوا و سابقه مشترک دینی، تاریخی و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، پدیده‌ای اثرگذار در منطقه خاورمیانه بوده است. این انقلاب موجب بروز نوعی بیداری و احیای اسلامی آن‌هم بر پایه بازگشت به ایدئولوژی و مکتب اسلام شد و به‌ویژه در نسل جوان نوعی شیفتگی و بازگشت به افکار و اندیشه‌های اسلامی به وجود آورد. اندیشه‌ای که معتقد است اسلام تمام شئون انسانی برای تدبیر امور بشر را دارد (Blanks, 1999: 88). با توجه به اینکه فرهنگ یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم محسوب می‌شود و مذهب به‌عنوان مظهر اصلی فرهنگ از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی است، نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشینه ایدئولوژیک و جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، وجوه عظیمی از قدرت نرم دارد.

در همسایگی ایران، ورود اسلام‌گرایان به صحنه سیاسی ترکیه نگاه سیاست‌مداران این کشور را از اروپا به سمت خاورمیانه معطوف کرد. ترکیه به درستی دریافت که چند دهه نگاه به غرب و تأکید بیش از حد به اروپا و آمریکا موجب سیاست خارجی یک‌سویه و نامتوازن برای این کشور شده است. به همین دلیل، ترکیه نگاه به کشورهای اسلامی و غرب را هم‌زمان در پیش گرفت (Öztürk and Baser, 2022: 714). به دلیل تاریخ، فرهنگ و اشتراک‌های زیاد ترکیه با کشورهای خاورمیانه، این کشور به سرعت به بازیگری فعال در عرصه منطقه‌ای تبدیل شد و سیاست‌مداران ترک با معرفی خود به‌عنوان یک الگوی موفق از تلفیق دین و دموکراسی در عرصه حکومت‌داری، همت خود را در افزایش قدرت نرم و مقبولیت آن در بین جوانان تحصیل‌کرده و طبقه متوسط در کشورهای عربی خاورمیانه قرار دادند (Ismaili et al., 2016: 181).

به دنبال بهار عربی و بی‌ثباتی دولت‌های عربی، گروه‌های تکفیری مانند جبهه النصره و داعش با اشغال بخش زیادی از خاک سوریه و ضعف شدید حکومت این کشور، سوریه را وارد بحرانی کردند که تا به امروز ادامه داشته است و ضمن آن، بیشتر زیرساخت‌های این کشور ویران شد. این بحران، سوریه را به میدان منازعه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای از جمله ترکیه و ایران برای کسب نفوذ و هژمونی منطقه‌ای تبدیل کرد. این پرسش مطرح است که بین دو کشور ایران و ترکیه چه اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی در کاربرد قدرت نرم در پی بحران سوریه وجود دارد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که بنای قدرت نرم دو کشور بر زمینه تاریخی، مذهبی و ارزش‌های سیاسی متفاوت، موجب شباهت‌ها و تضادها در کاربرد قدرت نرم دو کشور پس از بحران سوریه شده است. با مقایسه فرصت‌ها و چالش‌های کاربرد قدرت نرم در همراهی با قدرت سخت دو کشور می‌کشیم نشان دهیم راهبرد کدام کشور در سوریه همراه با موفقیت یا ناکامی نسبی بوده است.

۲. پیشینه پژوهش

عنایتی شبکلائی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی تطبیقی دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه در عراق و سوریه» رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را از نظر دیپلماسی عمومی بررسی کرده‌اند. آن‌ها ماهیت و چگونگی استفاده از دیپلماسی عمومی ایران و ترکیه را با توجه به فرصت‌ها و امکانات متفاوتی که در عراق و سوریه دارند تحلیل کرده‌اند. آن‌ها پایداری سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران و هم‌خوانی آن با وضعیت سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی عراق و سوریه را پیام‌آور فرصت و امکانات بیشتر برای دیپلماسی عمومی تهران می‌دانند. موسوی و همکارانش (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه» نشان می‌دهند که تحولات جهان عرب با تشدید رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه، موجب شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محوریت ایران و ترکیه شده است که در یک‌سوی آن روسیه، ایران، عراق و سوریه و در سوی دیگر، ترکیه، عربستان سعودی، قطر و گروه‌های سلفی قرار دارند.

عسگرخانی و عبدالسلام (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵» عملکرد ترکیه در قبال سوریه را نشان‌دهنده این موضوع می‌دانند که سیاست تنش صفر با همسایگان، نتیجه‌ای نخواهد داشت و ترکیه

با به کارگرفتن موضعی تهاجمی در قبال سوریه، به دنبال منافع خود و توسعه عمق راهبردیش در سوریه است و اختلاف عمده در سیاست خارجی میان این کشور با ایران در خصوص سوریه، تفاوت در نوع نگاه به این موضوع است. سوریه سال‌ها، نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال راهبردی ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک را بر عهده داشته است. از این رو تضعیف سوریه و سرنگونی اسد سبب تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و مهار آن می‌شود. محمدنژاد (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود «بررسی رقابت ایران و ترکیه در تحولات خاورمیانه؛ دلایل و انگیزه‌ها» به این نکته اشاره می‌کند که عوامل و متغیرهای زیادی در این رقابت نقش دارند مانند عوامل و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی. این عوامل در عراق پس از اشغال شروع و تا بحرین و یمن نیز کشانده شده است و در بحران سوریه به اوج خود رسیده است. در این بحران و رقابت‌ها، سیاست‌های دولت اردوغان و همچنین ایران‌هراسی آمریکا و اسرائیل نیز نقش بسزایی داشته‌اند. آذین و سیف‌زاده (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه» گروه داعش را نمایشی نو از بنیادگرایی اسلامی افراطی می‌دانند که در معادلات بین‌المللی کنونی نقش دارند. آن‌ها دو عامل خلاً قدرت مرکزی و چالش‌های امنیتی و قدرت‌های خارجی را مهم‌ترین عوامل بسترساز ظهور داعش در خاورمیانه می‌دانند. همچنین داعش را نتیجه بازی قدرت غرب در خاورمیانه دانسته‌اند، اما تأثیر این گروه را بر کشورهای منطقه بررسی نکرده‌اند.

در این مقاله با توجه به اینکه پژوهش‌های انجام‌شده یا به تنهایی قدرت نرم یکی از دو کشور ایران و ترکیه را بررسی کرده یا رقابت دو کشور را با رویکردهای نظری متفاوتی مطالعه کرده‌اند و دوره زمانی مورد نظر این پژوهش را در نظر نگرفته‌اند؛ می‌خواهیم چالش‌ها و فرصت‌های کاربرد قدرت نرم دو کشور ایران و ترکیه را پس از بحران سوریه بررسی و تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای کنیم. بنابراین از روش مقایسه‌ای استفاده می‌کنیم و از آنجا که تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای اطلاعات جمع‌آوری شده در این مقاله به صورت توصیفی است از رویکرد توصیفی تحلیلی نیز در مراحل توصیف و تبیین مسئله پژوهشی در چارچوب نظریه قدرت نرم جوزف نای استفاده می‌کنیم. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی و بهره‌گیری از منابع خبری با تکیه بر داده‌های میدانی و تاریخی انجام شده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش: قدرت نرم

قدرت یکی از مهم‌ترین مفاهیم استفاده‌شده در تبیین پدیده‌های سیاست خارجی است که تعاریف مختلفی دارد. یکی از ساده‌ترین تعاریف برای قدرت را رابرت دال بیان کرده است: «مفهوم شهودی از قدرت چیزی شبیه به این است: «الف» دارای قدرت بر «ب» است در صورتی که «ب» را مجبور به کاری کند که در غیر اجبار انجام نمی‌داد (Dahl, 1957: 201-202). استیون لوکس در کتاب «قدرت، نگرشی رادیکال» قدرت سیاسی را در چارچوب سه نگرش کلی به کثرت‌گرایی (دیدگاه تک‌بعدی)، اصلاح‌طلبانه (دیدگاه دوجانبه) و رادیکال (دیدگاه سه‌بعدی) تقسیم می‌کند. در نگرش سه‌بعدی قدرت، لوکس معتقد است اگر «الف» بتواند خواسته‌ها و نارضایتی‌های «ب» را در نقطه‌ای تعریف کند که خودش بخواهد، دارای قدرت است. از نظر لوکس قدرت نفوذ و مدیریت افکار و تمایلات دیگر بازیگران و پیش‌بینی رفتار بالقوه آن‌ها، مؤثرترین نوع قدرت است (Lukes, 2005: 27).

از نظر جوزف نای نظریه‌پرداز نولیبرال، قدرت مانند آب‌وهوا است، هر کسی به آن وابسته است و درباره آن صحبت می‌کند، اما تعداد کمی آن را درک می‌کنند. وی قدرت را به عشق تشبیه می‌کند: چیزی که نمی‌توان آن را تعریف یا اندازه‌گیری کرد، اما واقعی است (Nye, 2003). این نظریه ناظر به بعد سوم تعریف لوکس از قدرت است و از آنجا که ظرفیت بالایی در تبیین مسائل بین‌المللی از خود نشان داد از سوی اندیشمندان استقبال شد. قدرت نرم، توانایی تولید نتیجه دلخواه از راه نفوذ در رفتار دیگران برای رسیدن به نتیجه مورد نظر است (Nye, 2011: 5) و زمانی شکل می‌گیرد که سیاست‌گذاری یک دولت منجر شود که دیگر کشورها چیزی را طلب کنند که دولت مبدأ به دنبال آن است. قدرت نرم در برابر قدرت سخت یا قدرت تحکم‌آمیز قرار دارد. قدرت سخت یعنی اینکه یک دولت آن چیزی را که می‌خواهد با زور و اجبار از دیگران طلب کند (Nye, 2011: 19).

با توجه به اینکه قدرت نرم بر ترجیحات دیگران تأثیر می‌گذارد، با منابع قدرت معنوی و نامحسوس ارتباط دارد مانند فرهنگ، ارزش‌ها و دستور کارهایی که توسط نهادهای مشروع توصیه شده‌اند. نای بر واژه جاذبه تأکید کرده و می‌نویسد: قدرت نرم توانایی دریافت خواسته به‌وسیله جاذبیت به‌جای اعمال زور و فشار است (Nye, 2004: 31-32). وی در کتاب «آینده قدرت» تعریف جامع‌تری از قدرت نرم می‌دهد: قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به‌وسیله

ابزارهای تنظیم دستور کار، متقاعدکردن و کشف جذابیت‌های مثبت برای دستیابی به نتایج مطلوب است (Nye, 2011: 20-21). در اتکا به مبنای و منابع قدرت نرم، برای همه کشورهای برقراری مناسبات صلح‌آمیز دوستانه با دولت‌های دیگر مهم است. همه کشورهای می‌خواهند از خود چهره‌ای موفق و کارآمد در عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارند (Qanbarlou, 2011: 35-33). به‌طورکلی قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی پدید آید: الف) فرهنگ آن کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران جذابیت دارد)؛ ب) ارزش‌های سیاسی (در مواردی که در داخل و خارج کشور مورد توجه باشند)؛ ج) سیاست خارجی (در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد) (Nye, 2008: 51).

تغییر ترجیحات، شیوه تفکر یا رفتار مخاطبان بدون داشتن اهداف خاص، غیرمنطقی و بیهوده است؛ زیرا جذاب‌شدن یا مورد احترام قرارگرفتن به خودی خود نمی‌تواند به‌منزله اهداف قدرت نرم باشد. ازاین‌رو ضروری است اهداف خاصی مانند بهبود محیط امنیتی، کسب منافع امنیتی و اقتصادی یا بسیج حمایت‌ها برای اقدامات مشترک با کشور مقصد به‌عنوان اهداف کاربردی قدرت نرم در نظر گرفته شود. بنابراین راهبردهای قدرت نرم لزوماً باید هدفی خاص و در مرحله بعد، از پیش تعیین شده داشته باشد، نه اینکه فقط جذاب‌شدن یا مورد احترام قرارگرفتن اعمال‌کنندگان قدرت نرم را هدف قرار دهد. دولت‌ها با بهره‌گیری از روش اقناع فرهنگی حتی کاربرد زور را مشروع جلوه داده و اذهان و افکار عمومی جهانیان را با اهداف خود هم‌سو می‌کنند. براساس دیدگاه نای در عصر اطلاعات برآیندها و نتایج فقط بر اساس پیروزی و فتوحات ارتش شکل نمی‌گیرد، بلکه این نتایج بر پایه پیروزی در روایت‌ها است. برای نمونه، در مبارزه با تروریسم لازم است یک روایت داشته باشیم که برای جریان اصلی جذاب باشد و از استخدام آن‌ها توسط دشمن جلوگیری کند. به بیان دیگر، در جنگ سخت با تروریسم نیز برای اقناع اذهان و قلوب اکثریت باید از قدرت نرم استفاده کرد (Nye, 2013: 4).

بر مبنای گزاره‌های نظری پیش‌گفته، می‌توان مبنای مفهومی و نظری این پژوهش را این‌گونه بیان کرد: نخست، قدرت نرم زیرساخت‌های لازم برای ارتقای منافع کشورهای فراهم می‌کند؛ دوم، قدرت نرم فرایندی هدفمند است و برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده تدوین و اجرا می‌شود؛ سوم، استفاده از پیشینه فرهنگی و اقناعی در چارچوب قدرت نرم حتی برای اعمال قدرت سخت و تأمین امنیت ملی کشورها مثلاً در مقابله با تروریسم امری ضروری است. بر این اساس بحران سوریه و تروریسم تکفیری ایجادشده در منطقه، دو کشور ایران و ترکیه

را مجبور به مداخله در روند بحران سوریه کرد. از آنجا که دولت مستقر در سوریه مورد حمایت ایران بود و در مقابل دولت ترکیه خواهان سقوط نظام بشار اسد شد؛ منافع دو کشور در سوریه در تعارض با هم قرار گرفت. در بحران سوریه، تثبیت نظم اسلام‌گرایانه اخوانی به رهبری ترکیه و گفتمان انقلابی و ضد استکباری محور مقاومت به رهبری ایران به عنوان دو مدل گفتمانی به رقابت پرداختند و هر دو کشور در پی گسترش عمق راهبردی با هدف افزایش نفوذ منطقه‌ای و قدرت نرم خود برآمدند. تلاش برای پیگیری و تثبیت منافع منطقه‌ای دو کشور موجب ایجاد فرصت‌ها و چالش‌هایی شد که براساس اهداف پژوهش می‌کوشیم از منظر قدرت نرم تحلیل و بررسی کنیم.

۴. فرصت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پس از بحران سوریه

۴-۱. نشان دادن کارآمدی نظام اسلامی در ایجاد امنیت

حکومت‌ها بر دو پایه مشروعیت و کارآمدی استوارند و اگر حکومت مشروعی نتواند کارآمدی خود را نشان دهد مورد اقبال مردم قرار نمی‌گیرد. تأمین امنیت یکی از کارویژه‌های مهم حکومت است که تأثیر مستقیمی در مقبولیت آن دارد تا جایی که بسیاری، فلسفه تشکیل دولت را برقراری امنیت دانسته‌اند. در معرض خطر قرارگرفتن امنیت کشور با وجود بحران‌های امنیتی منطقه، این فرصت را برای دولت فراهم کرد که بتواند با نشان دادن امنیت بالای کشور، کارآمدی نظام را به مردم نشان دهد و احساس امنیت را در آن‌ها ایجاد کند. از سویی، خشونت آشکار تروریسم تکفیری، این فرصت را برای دیپلماسی رسانه‌ای کشور ایجاد کرد تا نشان دهد در صورت ایجادنشدن جبهه‌ای قوی و مقاوم در برابر تروریسم، آن‌ها با کمک محور غربی، عبری و عربی، منافع ملی ما را به خطر می‌اندازند، بنابراین پیش‌بینی ایران برای داشتن هم‌پیمان منطقه‌ای برای تأمین امنیت کشور نه تنها بیهوده نبوده است، بلکه پیروزی بر داعش و تأمین امنیت کشور نشان از الزام راهبردی این امر داشته است (Danesh, 2019: 56).

۴-۲. پیروزی محور مقاومت و تثبیت عمق راهبردی ایران در خاورمیانه

همان‌گونه که گفتیم محور مقاومت نمایانگر اتحاد میان ایران، عراق، سوریه و قوی‌ترین بازیگران غیردولتی منطقه شامل حزب الله لبنان، انصارالله یمن و برخی گروه‌های فلسطینی است که همواره در خط مقدم مبارزه با اسرائیل، رد سیاست‌های غرب به‌ویژه آمریکا و مخالفت با سیاست‌های رژیم‌های محافظه‌کار عربی از جمله عربستان گام برداشته‌اند (Soltaninejad

111: et al., 2015). این محور با ایجاد ابزار و توانمندی‌های لازم برای نقش‌آفرینی گسترده ایران در منطقه، عاملی بازدارنده در مقابل تهدیدات امنیتی بازیگران رقیب و متخاصم کشور هم می‌باشد. ایران، بحران سوریه را یک طرح و برنامه‌ریزی از پیش تعیین‌شده ایالات متحده، اسرائیل و کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی برای نابودی عمق راهبردی خود می‌دانست، بنابراین با حفظ محور مقاومت و کاربست راهبرد دفاعی و تهاجمی توانست با حفظ حکومت سوریه و محور مقاومت، امنیت خود را حفظ کند و با تبدیل کردن محور مقاومت به یک سد دفاعی محکم، این محور را به یک اهرم ژئوپلیتیک و راهبردی برای سیاست‌های نیابتی خود ارتقا دهد.

۳-۴. صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی

صدور انقلاب استعاره‌ای برای گسترش ارزش‌ها، هنجارها و رساندن پیام‌های رهایی‌بخش و آزادی‌بخش آن است؛ فرایندی که الهام‌بخش ملت‌های مسلمان و مستضعف خواهد بود تا به مسیری رهنمون شوند که ملت ایران در آن گام گذاشته است (Mousavi and Qorbi, 2014: 120). الهام‌بخشی انقلاب اسلامی در محیط پیرامونی کشور به‌واسطه مسلمان بودن مردم منطقه بیشتر با تکیه بر هویت اسلامی سامان یافته است تا تأکید بر عنصر ایرانی. به همین دلیل، ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی ظرفیت بالایی برای تحقق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران از خود بروز داده است. در یک جمع‌بندی سه مورد از ارزش‌هایی را که پس از بحران سوریه و عراق در گسترش پیام انقلاب اسلامی ابعاد فراملی پیدا کرد می‌توان چنین برشمرد:

- صدور فتوای جهاد مرجعیت شیعه برای مقابله با داعش و استقبال پرشور شیعیان از آن، این حقیقت را آشکار کرد که در صورت اراده مرجعیت دینی شیعیان در مناسبات قدرت از تأثیر فوق‌العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند به‌عنوان یک عامل بسیج‌کننده قوی در مقابل دشمنان ظاهر شود.

- جهاد و شهادت دو عنصر تاریخ‌ساز و سرنوشت‌آفرین حیات اجتماعی مسلمانان هستند. حضور این دو عنصر نقش برجسته‌ای در هویت دینی، فرهنگی و سیاسی مسلمانان دارد. ایران با احیای این دو عنصر در مقابله با جریان تکفیری، جهاد و شهادت را در منظومه فکری و هویتی مسلمانان منطقه برجسته کرد. عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی بستر اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان را فراهم می‌کند.

- راهپیمایی اربعین ظرفیت سومی بود که موجب ارتقای وزن شیعیان در سطح منطقه و افزایش حوزه نفوذ مذهب شیعه شده است. برگزاری راهپیمایی اربعین به عنوان رزمایش فرهنگی محور مقاومت، قدرت نرم ایران را به رخ جهانیان کشیده است (Nikjoo et al., 2021: 618).

۴-۴. گسترش بازوهای عملیاتی ایران در خاورمیانه

جمهوری اسلامی با حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه با توسعه روابط با آن جنبش‌ها به همان شکل که در قانون اساسی آمده است رویکرد خود را محدود و منحصر به داخل مرزهای ایران نمی‌داند. پس از سقوط موصل در عراق، نیروهای نظامی ایران با سازماندهی نیروهای عراقی توانستند جلوی داعش را بگیرند که تا نزدیکی بغداد و مرزهای ایران پیشروی کرده بود. مستشاران ایرانی با تجهیز نیروهای طرفدار انقلاب اسلامی و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها، با استفاده از تجربه سازمان بسیج ایران، بسیج نیروهای مردمی عراق (حشد الشعبی) و نیروهای داوطلب مردمی سوریه (قوات الوطنی) را سازمان داد. این سازمان‌ها در چارچوب محور مقاومت، هم‌ردیف حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حماس فلسطین و فاطمیون افغانستان کارکردی مهم و نقشی کانونی در تحولات امنیتی منطقه داشته است. جمهوری اسلامی ایران با وارد کردن نیروهای فراملی محور مقاومت مانند حزب الله لبنان و فاطمیون افغانستان توانسته راهبرد مداخله نیابتی رقبای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی را در سوریه ناکام بگذارد (Madras et al., 2015: 282-283).

۴-۵. تعمیق همکاری راهبردی ایران و روسیه

همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه بستر مناسبی برای روابط بلندمدت دو کشور فراهم کرده است. بحران سوریه، فرصتی ایجاد کرد تا دو کشور به همدیگر نه به عنوان رقیب، بلکه به عنوان همکار نگرینسته و برای حل مسائل پیش رو تلاش کنند. پیوند با روسیه و تشکیل ائتلاف مبارزه با تروریسم در بحران سوریه، ایران را به سطح بالاتری از نقش‌آفرینی در روابط بین‌الملل وارد کرد (Haider, 2020). شواهد نشان می‌دهد همکاری میان ایران و روسیه که در سوریه آغاز شد، به مسائل راهبردی دیگری از جمله امنیت منطقه‌ای، انرژی و مسائل اقتصادی هم تسری پیدا خواهد کرد و مسکو و تهران تلاش می‌کنند الگوی همکاری موفق خود در سوریه را براساس منافع بلندمدت دوجانبه با وجود فشارهای ایالات متحده و اسرائیل ادامه دهند.

۵. چالش‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه

۵-۱. اسلام‌هراسی و شیعه‌ستیزی

یکی از نگرانی‌های جدی کشورهای غربی، گسترش اسلام‌گرایی است. تخمین آنان گویای این واقعیت است که تا سال ۲۰۵۰ در اروپا و آمریکا تعداد زیادی از مردم این مناطق به اسلام خواهند گروید (Fardila et al., 2020: 9). یکی از دلایل پوشش رسانه‌ای رفتار خشن گروه‌های تکفیری و حمایت شبکه‌های اجتماعی از آن‌ها، ارائه تصویری خشن از اسلام است تا شاید از این راه بتوانند از جذابیت‌های اسلام و به تبع آن گرایش مردم به اسلام بکاهند. با رفتار متحجرانه گروه‌های تکفیری، رسانه‌های غربی اسلام‌گرایی را مساوی با جریان‌های تکفیری نشان و جذابیت الگوی اسلام‌گرایی را حتی در بین خود مسلمانان کاهش دادند. همچنین دولت‌های غربی به‌عنوان مرجع اسلام‌ستیزی برای توجیه سیاست‌های اسلام‌ستیزانه خود اقدامات تروریستی سلفی‌ها و مقابله شیعیان با آن‌ها را به‌عنوان نشانه‌های خشونت و افراط‌گرایی در مذاهب اسلامی معرفی می‌کنند.

۵-۲. تفرقه بین امت اسلامی و افزایش شکاف شیعه و سنی

وحدت و مقابله با عوامل واگرایی مانند طایفه‌گری و تفرقه مذهبی یکی از مهم‌ترین عوامل تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و احیای هویت اسلامی در نظام سیاسی ایران تمایل به همبستگی و وحدت در بین ملت‌های مسلمان منطقه و رهایی از استعمار، همواره در دستور کار مقامات جمهوری اسلامی بوده است (Imam Khomeini, vol. 14, 1998: 507).

بحران سوریه و تشکیل گروه‌های تکفیری، فرصتی برای تفرقه در بین مسلمانان و احیای بحث شیعه و سنی بود تا مسلمانان را درگیر جنگ طایفه‌ای و نزاع مذهبی کند. داعش در سوریه و عراق ابتدا با حمایت مسلمانان سنی مذهب همراه بود، اما اهل سنت با دیدن رفتار خشن گروه‌های سلفی به اشتباه بزرگ و پرهزینه خویش پی بردند. در حالی که سیاست خارجی ایران برای ایجاد برادری در منطقه با استفاده از گفتمان‌هایی مانند اتحاد مسلمانان و جلوگیری از درگیری و ایجاد وحدت بین شیعه و سنی تلاش کرده است (Obaid, 2017: 2).

۵-۳. انحراف جریان بیداری اسلامی در منطقه

تحولات بیداری اسلامی با الهام از الگوی انقلاب اسلامی بر اساس سه عنصر بود: ۱. بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) و اصول اولیه مکتب اسلام و پیروی از تعالیم قرآن و سنت؛ ۲. تأکید بر وحدت فرقه‌های اسلامی برای مسلط شدن بر مشکلات؛ ۳. استکبارستیزی و مقابله با کفر، الحاد و طاغوت داخلی از قوت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت (Behrouz Lak, 2016: 57)؛ اما در نگاه جریان تکفیری، تداوم این وضع به منزله برهم خوردن توازن قدرت به نفع جریان است که پیشینه دیرینه‌ای از اختلافات ایدئولوژیک با آن دارد. بنابراین این جریان با تکیه بر شکاف‌های مذهبی و فرهنگی کوشید ضمن کاستن از توان الگویی سیاست خارجی ایران، در فرایند نفوذ منطقه‌ای و احیاناً جهانی آن اخلال ایجاد کند (Alizadeh Mousavi, 2011: 235). عملکرد خشونت‌آمیز عناصر تکفیری، علاوه بر هدف قراردادن مؤلفه‌های الهام‌بخش گفتمان انقلاب اسلامی، عهده‌دار تخریب چهره ضد استکباری اسلام و محوریت آن یعنی انقلاب اسلامی شد تا حرکت‌های دینی را به انحراف بکشاند.

۵-۴. احتمال تجزیه سوریه

تقسیم خاورمیانه به کشورهای کوچک و تولد بازیگران جدید منطقه‌ای، مستلزم ایجاد نظم امنیتی جدید است و چون بازیگران جدید در روند دولت‌سازی و ملت‌سازی قرار خواهند گرفت، غالباً با مشکلات فراوانی روبه‌رو شده و چشم به حمایت کشورهای فرامنطقه‌ای دارند. در نتیجه، حضور و نفوذ قدرت‌های بزرگ برای یک دوره زمانی طولانی مدت در منطقه تضمین می‌شود (Jenkins, 2014: 20). در این صورت، کشورهای خاورمیانه به دلیل داشتن وسعت یا منابع غنی انرژی، نمی‌توانند در برابر سلطه غرب مقاومت کنند و با توجه به قومیت‌ها و مذاهب اسلامی متعدد، منطقه درگیر بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شده و زمینه‌های لازم برای بی‌ثباتی ایجاد می‌شود. تجزیه سوریه، عراق یا تشکیل دولت تکفیری می‌توانست غرب ایران را تبدیل به سومالی دوم کند؛ به این معنا که منطقه، تبدیل به بهشت تروریست‌ها، آدم‌کش‌ها و گروه‌های تروریستی می‌شد. همچنان که امروز دنیا از شر دزدان دریایی سومالی نفس راحتی نمی‌کشد، به قطع ایران نیز هیچ وقت با داشتن همسایه‌ای مانند داعش، آسوده نبود.

۵-۵. تضعیف محور مقاومت

الگوی ضدهژمون ایران در منطقه غرب آسیا که اصلی‌ترین حوزه جدال راهبردی علیه غرب و فرایندهای غربی شدن را درون خود جای داده، در خاورمیانه به محور مقاومت معروف شده است. نظریه مقاومت به عنوان نظریه‌ای رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با نظام بین‌الملل است. ایران با بهره‌گیری از مفاهیم دینی و ارزشی به منظور انجام اقدامات نظامی در دفاع از حوزه سرزمینی و ایدئولوژی انقلابی توانست جلوه‌هایی از «مقاومت نامتقارن» را در فرایند دفاع در برابر نیروهای تهدیدکننده منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود آورد. شکل‌گیری الگوی مقاومت نامتقارن و گفتمان مقاومت را می‌توان رفتار راهبردی ایران برای مقابله با دشمنان دانست (Rivera, 2022: 56).

با توجه به نقش سوریه در محور مقاومت، تغییر وضع موجود می‌توانست موجب تضعیف محور ایران در سطح منطقه شود. ژئوپلیتیک سوریه با قرارگرفتن بر ساحل دریای مدیترانه و هم‌مرز بودن با عراق، لبنان و فلسطین اشغالی، اهمیت ویژه‌ای دارد. هم‌مرزی سوریه با اسرائیل به عنوان مهم‌ترین تهدید امنیتی ایران، این امکان را به ایران داده است تا تحرکات این بازیگر را در منطقه شامات رصد کند. ایران به واسطه سوریه با اسرائیل هم‌مرز شده و این موضوع، شرایط مناسبی را برای دفاع نامتقارن و بازدارندگی نظامی فراهم کرده است.

۵-۶. امنیت اسرائیل

با وجود تأکید رهبران جریان‌های تکفیری بر مبارزه با دشمنان اسلام، هیچ تهدیدی از سوی تکفیری‌ها متوجه رژیم اشغالگر قدس نشده است؛ موضوعی که نشانگر هم‌سو بودن جریان‌های تکفیری با منافع اسرائیل و دوری آن‌ها با اسلام واقعی را روشن می‌کند. چشم‌پوشی سلفی‌ها از آرمان ستیز با صهیونیست‌ها، در حالی است که کشتار مسلمانان از مهم‌ترین دستاوردهای این جریان‌های افراطی است. می‌توان گفت دیدگاه دینی تکفیری‌ها در طرد فرق اسلامی، سبب تبدیل شدن اسرائیل از دشمن بیرونی به دوست درونی شده است؛ در نتیجه، شرایط امنیت اسرائیل را فراهم کرده است (Ranjbar et al., 2014: 57). از طرفی تداوم حضور ایالات متحده در خاورمیانه به تأمین امنیت اسرائیل نیز کمک می‌کند، زیرا از زمان تشکیل اسرائیل تاکنون جلب حمایت و طرف‌داری قدرت‌های بزرگ، ستون دائمی راهبرد امنیتی اسرائیل بوده است و با حضور آمریکا در منطقه، امکان تحقق این راهبرد تسهیل خواهد شد.

۶. فرصت‌های قدرت نرم ترکیه پس از ظهور داعش

۶-۱. عملیاتی کردن طرح نوعثمانیسم

ترکیه با دخالت نظامی در سوریه نشان داد که به خاک کشورهای همسایه طمع دارد و بیشتر از گذشته به دنبال طرح نوعثمانیگری است. ترکیه بحران سوریه را برای خود به مثابه فرصتی دانست تا بتواند در حد امکان از تحولات منطقه برای احیای اقتدار دوران عثمانی بهره گیرد و حتی اگر زمینه‌ای باشد، نقشه جغرافیایی منطقه را در برخی جاها برای توسعه مرزهای خود تغییر دهد. ترک‌ها تلاش کردند با تسلط بر اوضاع سوریه، مرزهای خود را در جهت راهبرد کلان نوعثمانی‌گرایی توسعه دهند (Ajzenhamer, 2022: 75). بیشتر کمک‌های لجستیکی و تسلیحاتی جبهه مخالف دولت سوریه، از مسیر ترکیه در اختیار گروهک‌های تروریستی داعش و جبهه النصره قرار می‌گرفت. این کمک‌ها نوعی ارتباط سازمانی میان دولت ترکیه و معارضان دولت سوریه به وجود آورد.

۶-۲. تضعیف محور مقاومت

تعارض میان رویکرد محور مقاومت و رویکرد ترکیه، مسئله‌ای است که دولت مردان ترکیه نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. پایگاه اصلی گفتمان مقاومت ایران است که به دلیل قدرت، موقعیت و اقتداری که دارد، ترکیه نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ اما تلاش می‌کند کشورهایی مانند سوریه از گفتمان مقاومت خارج و با رویکرد ترکیه همراه شوند (Hinnebusch, 2020: 119). این اتفاق به معنی قطع جریان حمایت از گروه‌های فلسطینی و حزب الله لبنان نیز خواهد بود. در نتیجه، می‌توان تصور کرد اگر ترکیه در فشار بر گروه‌های مقاومت موفق می‌شد، این گروه‌ها مجبور به تسلیم یا مصالحه با اسرائیل می‌شدند.

۶-۳. بهره‌برداری از ائتلاف علیه داعش

ترکیه، داعش را ابزاری برای اعمال نفوذ در صحنه سیاسی سوریه می‌دانست و حاضر نبود علیه آن وارد عمل شود. از سویی، مرزهای طولانی مناطق اشغالی داعش با ترکیه سبب احتیاط این کشور در ائتلاف علیه داعش بود؛ به همین دلیل، تصمیم ترکیه مشارکت مشروط در ائتلاف علیه داعش بود و بار دیگر تلاش کرد تا این وضعیت را برای خود تبدیل به فرصت کند. ترکیه شرایط ورود ائتلاف علیه داعش را با دو پیش شرط غیر قابل اجرای تعیین منطقه پرواز ممنوع بر

فراز سوریه و به‌طور مشخص استان‌های هم‌جوار با ترکیه و تغییر اهداف و سیاست‌گذاری این ائتلاف از مبارزه با داعش به مبارزه با دولت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه اعلام کرده بود (Slee, 2019: 26).

۴-۶. سرکوب کردها در پوشش مبارزه با داعش

با بحران در سوریه، کردهای سوری با درک شرایط به‌دست آمده، در پی فرصت‌سازی برای پیگیری آمال استقلال‌کردی برآمدند. آنکارا به این دلیل نگران بود که موفقیت کردها در شمال سوریه سبب تحریک احساسات جدایی‌طلبانه کردها به‌ویژه پ ک ک در جنوب شرق ترکیه بشود. از این رو ترکیه برای جلوگیری از قدرت‌گرفتن کردها و چالش مرزی با آن‌ها، در نبرد داعش با کردها بر سر تصرف عین‌العرب به‌طور مستقیم از داعش حمایت کرد (Meoni, 2022: 56).

۷. چالش‌های قدرت نرم ترکیه پس از ظهور داعش

۷-۱. اشتباه محاسباتی در سرنگونی حکومت سوریه

ترکیه در بحران سوریه یک اشتباه محاسباتی راهبردی کرد، زیرا همه سناریوهای خود را بر رفتن بشار اسد گذاشته بود. اردوغان تلاش کرد رهنامه اخوان‌المسلمین خود را برای رژیم جدید سوریه بعد از رفتن اسد پیاده کند. معاون حزب عدالت و توسعه در این مورد گفته بود که هدف ترکیه در حمایت از مخالفان سوریه، تأسیس و ایجاد یک دولت دوست ترکیه و به حداکثر رساندن نفوذ اخوان‌المسلمین در دمشق است (DEMİR, 2016: 125). اشتباه محاسباتی دیگر ترکیه این بود که در مورد قدرت پشتیبانی کشورهایمانند عربستان، امارات و قطر از گروه‌های تکفیری، برآورد درستی نکرده بود و قدرت آن‌ها را بیش از آنچه بودند ارزیابی کرده بود. اشتباه سوم ترک‌ها این بود که آن‌ها نتوانستند واکنش روسیه را در مورد سوریه ارزیابی کنند و فکر نمی‌کردند روسیه این‌قدر بر حفظ حکومت در سوریه پافشاری کند.

۷-۲. استفاده از قدرت سخت و حمایت از داعش

تحولات گسترده در جهان عرب را باید دوره پایان راهبرد به‌صفررساندن اختلافات با همسایگان در ترکیه دانست، زیرا ترکیه خود را به‌عنوان یک طرف منازعات مطرح و در سوریه این کشور در عمل وارد جنگ یا ارسال کمک‌های نظامی به مخالفان شد. ترکیه اولین کشوری بود که شورای ملی مخالفان سوریه را به رسمیت شناخت. سیاست حمایت از معارضان مسلح سوری

و تهدیدات کردهای سوریه که ارتباط تنگاتنگی با پکک دارند، آنکارا را به حضور سخت در سوریه مجبور کرد. اما حتی متفکران عربی که از مخالف حکومت سوریه بودند، معتقدند ترکیه با دست‌اندازی به خاک سوریه تصویر اصلی و تجاوزکارانه خود را نشان داده است، به‌ویژه حمایت ترکیه از شورشیان تکفیری (مانند داعش و جبهه‌النصره)، موجب شده است بسیاری از افراد به رفتار سلطه‌جویانه آنکارا در جنگ داخلی سوریه اعتراض کنند (Schwab, 2023: 55).

۷-۳. کاهش رشد اقتصادی

پس از رونق اقتصاد ترکیه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ که به‌طور متوسط رشد ۷ تا ۸ درصدی را تجربه می‌کرد، نرخ رشد سالیانه این کشور به حدود دو تا سه درصد کاهش یافته است (Tu- gal, 2016: 14). عوامل خارجی و داخلی در این کاهش رشد مؤثر بوده‌اند؛ عوامل خارجی تأثیرگذار بر اقتصاد ترکیه به‌عنوان یک کشور مهم تجاری شوک‌هایی است که به‌طور مستقیم بر اقتصاد این کشور وارد شد. وقوع بحران مالی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ و قیام‌های مردمی خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ موجب شد ترکیه نتواند به رشد پیشین خود ادامه دهد. بروز جنگ‌های داخلی در خاورمیانه به‌ویژه در سوریه با توجه به سرمایه‌گذاری گسترده شرکت‌های ترک، موجب کاهش قابل توجه سود آنکارا از تجارت با کشورهای همسایه شد. از سویی عوامل داخلی هم تأثیر زیادی در کاهش رشد اقتصادی ترکیه داشته است؛ از سال ۲۰۱۳، امنیت و ثبات سیاسی ترکیه به‌شدت رو به افول بوده است و این مخاطرات سیاسی سرمایه‌گذاری‌ها را در ترکیه کاهش داده است. همچنین این کشور برای خروج سرمایه از کشور و ناتوانی در بازپرداخت وام‌های خارجی آسیب زیادی دیده است (Tugal, 2016: 5).

۷-۴. بحران مهاجران سوریه

حدود نیمی از کل جمعیت سوریه به‌دلیل جنگ به مهاجرت در داخل مرزهای سوریه یا خارج از کشور اقدام کرده‌اند. به بیانی، حدود ۴/۵ میلیون شهروند سوری از خانه‌های خود گریخته و آواره شده‌اند. ترکیه در ابتدا تلاش کرد از پناهندگان به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی و بهره‌گیری از اطلاعات، دریافت کمک‌های اقتصادی و سیاسی از نهادهای بین‌المللی و مرتبط با موضوع آوارگان استفاده کند. اما افزایش آمار مهاجران و فشار مضاعف اقتصادی برای مردم ترکیه برای میزبانی پناهجویان سوری کم‌کم به یک بحران در ترکیه تبدیل شده است. اردوگاه مهاجران در دو استان کردنشین شانلی اورفا و گازی عنتاب و استان‌های هاتای و کلیس برای پذیرش همه پناهجویان

کافی نیستند. از این رو سوری‌ها در سراسر ترکیه پخش شده‌اند. افرادی هم که به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر، زندگی در اردوگاه آوارگان را انتخاب کرده‌اند می‌گویند این اماکن تبدیل به یکی از مهم‌ترین مراکز جذب افراد، به تروریسم تکفیری شده است (Haji Yousefi and Arifnejad, 2014).

۷-۵. بحران‌های امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی

کشورها برای بهبود تصویر خود در اذهان ملت‌های دیگر، به توسعه محیط امنیتی خود روی می‌آورند، اما آنکارا با تغییر سیاست‌های مبتنی بر قدرت نرم خود در محیط امنیتی خاورمیانه نه تنها تصویر در حال ظهور خود را به‌عنوان یک دولت حافظ نظم و امنیت منطقه‌ای مخدوش کرد، بلکه ثبات داخلی خود را نیز تضعیف کرد. پیروی از سیاست آشوب‌ساز، منافع ملی این کشور را دچار چالش کرده است. چالش‌های محیط امنیتی ترکیه، خروجی انباشت مسائل و تعارض‌های ملی و منطقه‌ای این کشور است که حل‌نشده مسأله‌آميز این اعتراضات موجب بی‌ثباتی و مخاطرات سیاسی و اقتصادی در ترکیه شده است.

مسئله کردها از عواملی است که سیاست ترکیه در حمایت از مخالفان دولت بشار اسد و جریان‌های تکفیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چالش ناشی از فرسایشی شدن حمایت از مخالفان حکومت سوریه برای ترکیه، کردهای سوریه را به بازیگری مهم در تحولات داخلی سوریه و در همسایگی مرزی ترکیه تبدیل کرده است. کاهش اقتدار دولت مرکزی در سوریه، فرصت بی‌سابقه‌ای بود تا احزاب و گروه‌های کردی خودشان را به‌لحاظ سیاسی و نظامی سازماندهی کنند. «استقلال کردستان» چالش امنیتی است که آنکارا سهواً و با دامن‌زدن به بحران سوریه موجب تشدید آن شده است (Dombey, 2014). اعتراضات پارک گزی در سال ۲۰۱۳ یکی دیگر از مهم‌ترین جنبش‌های قوی ضدامنیتی ترکیه بوده است. با این حال، واکنش خشن دولت نسبت به اعتراضات پارک گزی در استانبول و در برخی از شهرهای دیگر ترکیه، سوءظن‌هایی را در خصوص دموکراسی ادعایی دولت ترکیه برانگیخت و تصویر ترکیه به‌سرعت در خارج از مرزهای این کشور آسیب دید و بر قدرت نرم آن تأثیر منفی گذاشت (Bechev, 2022: 95).

مسئله امنیتی دیگر، حوادث تروریستی و درگیری دولت با جریان کردی در جنوب و شرق ترکیه است. از مهم‌ترین حملات تروریستی که در سال‌های گذشته در ترکیه رخ داده است،

حمله تروریستی در باشگاه ورزشی «بشیکتاش»، ترور سفیر روسیه در آنکارا و حمله به باشگاه شبانه «رینا» در استانبول و بمب‌گذاری‌های متعدد در شهرهای مختلف ترکیه است. کودتای نظامی نافرجام ارتش ترکیه در سال ۲۰۱۶ نیز از بحران‌های بی‌ثبات‌کننده ترکیه بوده که هم‌زمان شرایط اقتدارگرایی اردوغان را فراهم کرده است. رهبران کودتا که نام خود را شورای صلح در خانه گذاشته بودند، فرسایش سکولاریسم، نابودی حکومت دموکراتیک، بی‌اعتنایی به حقوق بشر و ازدست‌دادن اعتبار ترکیه در عرصه بین‌المللی را به‌عنوان دلایل کودتا بیان کردند (Tugal, 2016: 15).

۸. نتیجه

زمینه‌های مشترک کاربرد قدرت نرم ایران و ترکیه در سوریه بعد از بحران این کشور به منابع، فرهنگ سیاسی و ابزارهای لازم برای رسیدن به اقتدار و عمق راهبردی منطقه‌ای برمی‌گردد. ایران با حمایت از سوریه در بحران این کشور، تلاش کرد پیشینه راهبردی خود را تقویت کند که لازمه تدوام نفوذ و قدرت نرم این کشور از مرزهای غربی تا سواحل مدیترانه است. ترکیه نیز در سال‌های حضور اسلام‌گرایان در رأس قدرت، ابایی از سخن گفتن در خصوص سیاست‌های نوع‌ماندگی نداشته و یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی خود را رسیدن به عمق راهبردی در خاورمیانه قرار داده است.

هر دو کشور برای تقویت قدرت و اعمال نفوذ در منطقه تلاش کرده‌اند از نیروهای عملیاتی منطقه‌ای به‌صورت نیابتی استفاده کنند. در این زمینه، جمهوری اسلامی ایران با حمایت از جنبش‌های اسلامی مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق، قوات الوطنی سوریه، انصارالله یمن و فاطمیون افغانستان و بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی قدرت نرم خود مانند شهادت‌طلبی و استکبارستیزی برای جذب، سازماندهی و تجهیز این جنبش‌ها در راستای اهداف سیاست خارجی خود تلاش کرده است. ترکیه هم با الگوگرفتن از تهران تلاش کرده است بتواند از گروه‌های مسلح با ایدئولوژی اخوانی یا سلفی و تکفیری مانند داعش، جبهه النصره و ارتش آزاد سوریه اهداف منطقه‌ای خود را پیگیری کند. هر دو کشور در چالش‌های ناشی از احساس ناامنی و بی‌ثباتی که محصول انگیزه‌های تکفیری و حوادث تروریستی بوده است اشتراک دارند. انتقال آموزه‌های سلفی و تکفیری و همچنین انجام عملیات تروریستی در کشور، از تلاش‌های گروه داعش برای تضعیف امنیت در جمهوری اسلامی بوده است. در ترکیه نیز فعال‌شدن گسل‌های

ملی‌گرایی ترکی و استقلال‌طلبی کردی شهروندان و مهاجران در نتیجه بحران سوریه موجب بی‌ثباتی و ناامنی در این کشور است (شکل ۱).

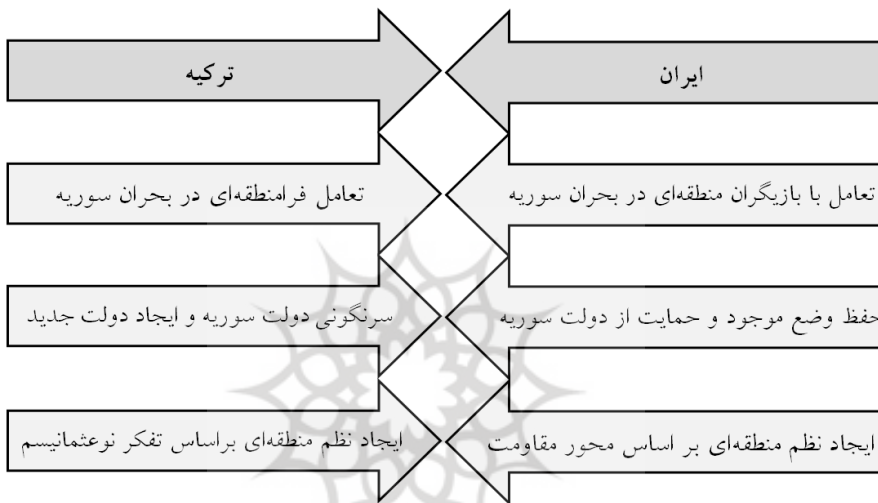


شکل ۱: زمینه‌های اشتراک کاربست قدرت نرم ایران و ترکیه در بحران سوریه Source: Author

تفاوت‌های کارکردی قدرت نرم ایران و ترکیه در بحران سوریه نیز مانند اشتراکات، ریشه در رویکردهای گفتمانی، اصول سیاست خارجی و امکانات در دسترس دو کشور داشته است. ایران می‌خواهد مسائل و مشکلات به‌وسیله همکاری کشورهای منطقه حل و فصل شود. در مقابل، ترکیه می‌خواهد با گسترش روابط خود با کشورهای غربی و حضور آن‌ها در معادلات خاورمیانه زمینه رسیدن به اهداف خود را فراهم کند. با قدرت‌یابی تروریسم تکفیری، تهران بر حفظ سوریه به‌عنوان یک کشور متحد و کانونی محور مقاومت تأکید داشت و از قدرت سخت و نرم خود برای تحکیم و حفظ مناسبات دولت سوریه در بحران این کشور استفاده کرد. در مقابل، ترکیه می‌خواست وضع موجود در جهت هژمونی و رهبری منطقه‌ای ترکیه تغییر کند. به همین دلیل، ترک‌ها از هر ابزاری مانند دخالت دادن قدرت‌های غربی برای سرنگونی دولت و تجدید ساختار سوریه استفاده کردند.

الگوی نظم منطقه‌ای جدید پس از بحران در سوریه تفاوت دیگر کاربرد قدرت نرم ترکیه و ایران بوده است. راهبرد ترکیه با توجه به دغدغه تاریخی شکست امپراتوری عثمانی، افزایش

نقش و نفوذ منطقه‌ای و گسترش الگوی اسلامی خود است. این الگو همان اسلام اخوانی است که با مصادره تحولات منطقه به نفع خود می‌خواهد با استفاده از قدرت نرم مرزهای فرهنگی امپراتوری عثمانی را احیا کند، اما راهبرد ایران در نظم جدید تأکید بر الگوی مقاومت در برابر ظلم و استکبار و رسیدن به منافع جمعی بلندمدت در راستای رسیدن به امت اسلامی است (شکل ۲).



شکل ۲: زمینه‌های تفاوت کاربرد قدرت نرم ایران و ترکیه در بحران سوریه Source: Author

به نظر می‌رسد تحولات سوریه را سیاست‌مداران ترک به‌عنوان فرصتی برای گسترش نفوذ، افزایش نقش و در نهایت، هژمونی منطقه‌ای می‌دانند، اما به‌کارنگرفتن رویکرد اصولی در مواجهه با بحران سوریه، متحمل شدن هزینه‌های زیاد و فرسایشی شدن بحران‌های سیاسی و امنیتی در سوریه، موجب اختلال در قدرت نرم و تنزل جایگاه منطقه‌ای دولت ترکیه در منطقه شده است. از سویی، واقعیت‌های میدانی مانند پایداری و ثبات نسبی دولت سوریه بعد از بحران این کشور و شکست گروه‌های تکفیری نشان می‌دهد رویکرد ایران برای نفوذ منطقه‌ای و حفظ عمق راهبردی در سوریه موجب تقویت جایگاه و افزایش قدرت نرم ایران شده است.

References

- Ajzenhamer, V. (2022). From Strategic Depth to Hegemonic Overreach: Has Turkey Bitten off More Than It Can Chew in the Western Balkans?. In Turkey's Return to the Western Balkans: Policies of Continuity and Transformation (pp. 65-95). Cham: Springer International Publishing.
- Alizadeh Mousavi, S. (2011), Islamic Awakening, second edition, Tehran: Representation of the legal guardian in matters of Hajj and Pilgrimage.[In Persian]
- Amini, S.J and Asghari Harandi. (2020). Determining and prioritizing effective factors in the formation and activity of Takfiri terrorism in the Islamic Republic of Iran. Strategic Defense Studies, 79(18), 231-252.[In Persian]
- Azin, A. and Seifzadeh, A. (2016). Investigating the social and political contexts of the emergence of ISIS in the Middle East, Foreign Policy Quarterly, 116 (Winter), 50-27.[In Persian]
- Bechev, D. (2022). *Turkey Under Erdoğan*. Yale University Press.
- Behrouz Lak, GH (2016). Political Islam and Islamism, Pegah Hozha, No. 209. [In Persian]
- Blanks, D(1999). *Western View of Islam in medieval and early Modern times*.
- Dahl, AR(1950). "The Concept of Power", Behavioral Science, Vol.ii,pp202-3.
- Danesh, A. (2019). The role of martyrs defending the shrine in the national security of the Islamic Republic of Iran. *New Horizons in Political Jurisprudence*, 6(7).
- DEMİR, T.(2016), *The Semantic Approach to the Concept of Security*", Cultural and Humanities Research New Reviews and Perspectives, 121-145.
- Dombey, Daniel(2014). *Turkey's Clampdown on ISIS Bearing Fruit in Border Areas*, Financial Times, September 3, 2014, <http://www.ft.com/cms/s/0/910e190c-3363-11e4-9607-00144feabdc0.html#axzz3NMP0zeQy>

- Enayati Shabkalai A, Athari S.A, and HajiMineh, R (2015). Comparative study of public diplomacy of Iran and Turkey in Iraq and Syria, *Political Studies of the Islamic World Quarterly*, 14(2), pp. 73-93. [In Persian]
- Fardila, U. A., Imamah, F. M., & Dewi, I. S. (2020). Why Islam is the world fastest growing religious group despite of terrorism issues? An initial research of terrorism issues and Islam awareness. *JARES (Journal of Academic Research and Sciences)*, 5(1), 1-13.
- Haji Yousefi, A and Arefnejad, A (2013). Semiotics of suicide operations in Iraq's discursive conflicts and its security challenges on the Islamic Republic of Iran, *Political Science Research Journal*, 3. [In Persian]
- Hinnebusch, R. (2020). The Battle over Syria's reconstruction. *Global Policy*, 11(1).
- Haider, S. F. E. (2020). The Strategic Implications of Chinese-Iranian-Russian Naval Drills in the Indian Ocean. *Jamestown Foundation China Brief*, 20(1).
- Öztürk, A. E., & Baser, B. (2022). The transnational politics of religion: Turkey's Diyanet, Islamic communities and beyond. *Turkish Studies*, 23(5), 701-721.
- Jenkins, Gareth H. (2014). *The Balyoz Retrial and the Changing Politics of Turkish Justice*. *The Turkey Analyst* 7, no.:12.
- Lukes, S. (2005). *Invasions of the Market*, (p.7). London.
- Mousavi, S. and Qorbi, S.M. (2014). Review of security reference in the school of Imam Khomeini (RA), *Islamic Revolution Research Journal*, 9 series, summer [In Persian].
- Nikjoo, A., Razavizadeh, N., & Di Giovine, M.A. (2021). What draws Shia Muslims to an insecure pilgrimage? The Iranian journey to Arbaeen, Iraq during the presence of ISIS. *Journal of Tourism and Cultural Change*, 19(5), 606-627.
- Nye, Joseph (2003). *The paradox of American power: Why the world's only super-power can't go it alone*. Oxford University Press, USA.

- Nye, Joseph(2004). *Soft power and Leadership*, Published by the Center for Public Leadership, Kennedy School of government, Harvard University, 4.
- Nye, J. (2008). *Soft power, tools of success in international politics*, translators: Seyyed Mohsen Rouhani and Mehdi Zulfiqari, Tehran: Imam Sadegh University Press.[In Persian]
- Nye, Joseph S.(2011) *The Future of Power*. New York: Public Affairs.
- Obaid, N(2017) *Saudi Arabia's Master Plan against ISIS, Assad and Iran in Syria* Available from <http://nationalinterest.org/feature/saudi-arabias-master-planagainst-isis-assad-iran-syria-221>
- Meoni, B(2022). *CREATING THE SYRIAN DEMOCRATIC FORCES: THE US CAMPAIGN AGAINST ISIS IN SYRIA AND ITS IMPLICATIONS FOR TURKISH-AMERICAN RELATIONS* (Master's thesis, Middle East Technical University).
- Qanbarlou, A. (2011). Patterns of soft power in the Middle East, soft power studies, Basij Professors Organization, first year, first issue, pages: 7-36.[In Persian]
- Ranjber Shirazi et al. (2014). *Flowology of ISIS: What it is, indicators and coping strategies*, Tehran: Sokhnoran Publications.[In Persian]
- Rivera, W. A. (2022). The Strategic Culture of Resistance: Iranian Strategic Influence in Its Near Abroad. *Journal of Advanced Military Studies*, 13(1), 49-68.
- Schwab, R. (2023). Same Same but Different? Ideological Differentiation and Intra-jihadist Competition in the Syrian Civil War. *Journal of Global Security Studies*, 8(1), ogac045.
- Slee, C. (2019). Turkey threatens northeast Syria. *Green Left Weekly*, (1206), 17.
- Soltaninejad, A. et al. (2015). Interests and considerations of regional powers in the Syrian crisis. *Political studies of the Islamic world*. one hundred and one.[In Persian]
- Tugal, C.(2016). *The fall of the Turkish model: How the Arab uprisings brought down Islamic liberalism*. London and New York: Verso.